

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

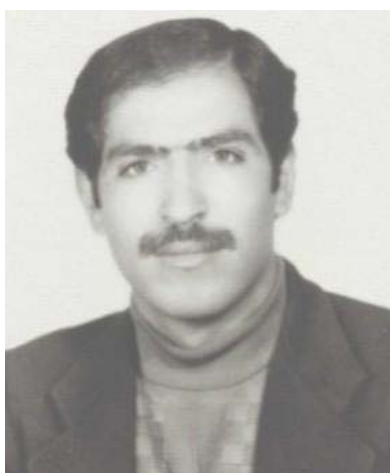
Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۷ جون ۲۰۱۸

در باره زندگی رفیق شهید علی کریمی



در ششم فروردین [حمل] سال ۱۳۶۲ در شرایطی که هنوز چند روزی از شروع بهار نگذشته بود مزدوران جمهوری اسلامی با شلیک گلوله های مرگ آفرین خود قلب گرم و سرخ چریک فدائی خلق رفیق علی کریمی را نشانه رفته و از حرکت باز داشتند. جمهوری اسلامی با تیرباران این کمونیست فراموش نشدنی، خون سرخ وی را بر زمین ریخت تا به خیال خام خود نقطه پایانی بگذارد بر آرمانهایی که وی برایشان جنگیده و در زمان اسارت در سیاهچالهای رژیم با تحمل همه شکنجه های طاقت فرسای دژخیمان جمهوری اسلامی، بی باکانه و با تهور تمام از آنها دفاع نموده بود. رفیق علی کریمی در سال ۱۳۳۲ در کرمانشاه در یک خانواده کارمندی متولد شده بود و پس از گرفتن دیپلم در یک تعمیرگاه ماشین کار می کرد

(لازم به توضیح است که در شماره های قبلی در متنی که در باره زندگی رفیق احمد کریمی تهیه شده بود شغل پدر به اشتباه کارگر ذکر شده بود). ورودش به محیط کار و ارتباط نزدیک با کارگران و ستمدیدگان از یک سو باعث آشنائی بیشترش با شرایط کار و زندگی رنجبران شد و از سوی دیگر خشم و نفرتش از شکاف طبقاتی و اختلافات طبقاتی که شاهدش بود را شعله ور نمود. این در شرایطی بود که وی از یک سو با اندیشه های سوسیالیستی آشنا می شد و از سوی دیگر با آغاز مبارزه مسلحانه به وسیله چریکهای فدائی خلق فضای سیاسی جامعه در حال دگرگونی بود. او که وضع ظالمانه طبقاتی را با پوست و گوشت خود احساس می کرد همراه با برادر بزرگش، احمد کریمی در جست و جوی راه مبارزه علیه وضع موجود بود و در همین رابطه هر دو به هواداری از سازمان چریکهای فدائی خلق پرداختند. در جریان انقلاب توده ها در سالهای ۱۳۵۷-۱۳۵۶ آنها با شرکت فعال خود در این انقلاب توانستند به عنوان عناصر کمونیست تأثیر مبارزاتی بر این انقلاب گذاشته و در انداختن شدن رژیم وابسته به امپریالیسم شاه به زباله دان تاریخ سهم انقلابی خود را داشته باشند.

انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ۵۶-۵۷ اگر چه به دلیل نفوذ نظرات اپورتونیستی در سازمان چریکهای فدائی خلق به مثابه تنها نیروی کمونیستی شناخته شده در جامعه از رهبری کمونیستی محروم ماند و نتوانست رهائی توده ها

از زیر بار ظلم و ستم را سبب شود اما این انقلاب همانند هر انقلاب دیگر در جهان تجارب جدیدی در اختیار توده ها و نیروهای روشنفکر در جامعه به جای گذاشت. این انقلاب مدرسه ای بود برای آموزش نسلی از کمونیستهای انقلابی که با شرکت فعال خود در آن و با از سر گذراندن رویدادهای مبارزاتی به اندازه چند سال فعالیت ساده، تجربه آموخته و آموزش های گرانقدر می دیدند. نسلی که در انقلاب ۵۷-۵۶ شرکت داشت چه به دلیل داشتن روحیه انقلابی و چه به خاطر تجاربی که کسب کرده بود می بایست به کادرهای انقلابی آینده تبدیل شود و حتی رهبری مبارزات آینده را بر عهده گیرد- که متأسفانه با روندی که طی شد چنین امری به تحقق نپیوست. با اینحال نشانه هایی از چنین ضرورتی را می توان در زندگی مبارزاتی رفیق علی به همراه برادران دیگرش، احمد و نصرت کریمی جست و جو کرد. آنها در بستر انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ چون پولاد آبدیده شدند. در پی شکست قیام بهمن رفیق علی به همراه برادرانش خیلی زود متوجه شرایط جدید شده و به اتخاذ موضع انقلابی پرداختند.

همانطور که روشن است با قیام بهمن سال ۱۳۵۷ به عنوان نقطه اوج انقلاب ۵۷-۵۶، شرایط دیگری در ایران شکل گرفت. رژیم وابسته به امپریالیسم شاه سرنگون شد اما از آنجا که روابط سرمایه داری وابسته همچنان بر سر جای خود باقی ماند، خمینی و دارو دسته اش قدرت گرفتند و رژیمی را در ایران شکل دادند که هم ماهیت با رژیم شاه بود. این تغییر خیلی ها را به اشتباه انداخت که تصور کردند رفتن شاه و آمدن خمینی به معنای پیروزی انقلاب است. اما کمونیستهای راستین بدرستی می دانستند که پیروزی انقلاب منوط به نابودی سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته است که این مهم هم بدون رهبری طبقه کارگر امکان پذیر نمی باشد. این تحلیل کمونیستهای بود که به آرمانها و سنتها و ارزشها و تئوری راهنمای چریکهای فدائی خلق باور داشتند. بر این اساس آنها موضع درستی در قبال رژیم تازه روی کار آمده گرفتند. چریک فدائی خلق رفیق علی یکی از کمونیستهای ایران بود که با درک و قبول تحلیل و موضع گیری های چریکهای فدائی خلق که صف خود را از سازمانی به آن نام جدا کرده بودند به آنها پیوست.

اساساً باورمندان به تئوری مبارزه مسلحانه خیلی زود با شنیدن اولین زمزمه های حمایت از رژیم جدید از درون "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"، متوجه غلبه ابعاد اپورتونیزم در این سازمان گشته و صف خود را از آن جدا نمودند. رفیق علی به همراه برادران و باران دیگرش در کرمانشاه از اولین کمونیست های انقلابی بودند که با اعلام موجودیت چریکهای فدائی خلق ایران، در کرمانشاه فوراً به دفاع از تشکیلات جدید برخاستند. به دنبال این موضع گیری، آنها برای آگاهی بقیه هواداران سازمان شروع به فعالیت کرده و برای نمونه رفیق علی همراه با رفیق عباس کرمی برای اولین بار در قصر شیرین میز کتاب چریکهای فدائی خلق را بر پا کردند.

در شرایط سالهای ۵۹-۵۸ که رژیم جمهوری اسلامی هنوز نتوانسته بود خود را کاملاً سازمان دهد و به دلیل انقلاب و قیام شکوهمند بهمن، شرایط شبه دموکراتیک یا به واقع هرج و مرج در جامعه به وجود آمده بود پاسداران رژیم تا آنجا که می توانستند به شکار انقلابیون می پرداختند، هر جا دستشان می رسید آنها را بازداشت می کردند و به هر ترتیب مانع از فعالیتشان می شدند. در این شرایط بود که پاسداران رژیم تازه به قدرت رسیده جمهوری اسلامی، رفقاء علی کریمی و عباس کرمی را در سال ۵۹ در تهران دستگیر کردند. اما این رفقاء در جریان بازجویی هویت اصلی خود را روشن نکرده و در نتیجه با نام های غیر واقعی زندانی شدند. اما تلاشهای خانواده رفیق عباس برای پیدا کردن وی در شرایطی که آنها نمی دانستند که این رفقاء هویت های اصلی خود را آشکار نساخته اند به روشن شدن هویت این دو رفیق منجر شد. با این همه با توجه به شرایط آن زمان رفیق عباس کرمی بعد از سه ماه و رفیق علی کریمی پس از تحمل ۶ ماه زندان آزادی خود را باز یافتند.

به دنبال یورش ارتجاع به نیرو های انقلابی در سال ۶۰ رفقای کرمانشاه زیر ضرب حملات دشمن قرار گرفته و در نتیجه در ۱۵ اسفند[حوت] سال ۶۰ تعداد زیادی از رفقای کرمانشاه دستگیر شدند . متأسفانه در جریان حملات سرکوبگران جمهوری اسلامی به نیرو های سیاسی، رفیق علی نیز در تهران دستگیر و به زیر شکنجه برده شد و پس از این که دشمن وی را شناخت برای ادامه بازجویی ها به کرمانشاه منتقل گردید.

به شهادت زندانیانی که از زندان دیزل آباد کرمانشاه جان به در برده اند رفیق علی همچون برادرانش احمد و نصرت از سمبل های مقاومت زیر شکنجه در این زندان بودند. رفقای که در زیر شدید ترین شکنجه ها لب به سخن نگشوده و اسرار خلق را در سینه های ستبر خود حفظ کرده و در مقابل دشمن سر خم نکردند. رفیق علی کریمی، یک کمونیست فدائی بود که چه با عظمتی که از خود در مقابل شکنجه های جمهوری اسلامی نشان داد و چه با مرگ قهرمانانه اش در میدان تیر، چون آذر خشی در آسمان غم زده مردم ایران درخشید، مرگ را شکست داد و با گرمی که زندگی و مرگ غرور آفرینش در دلهای مردم ایجاد کرده، زندگی جاودانه یافت.

یاد رفیق علی کریمی گرامی و راهش پر رهرو باد!